

# تولید کننده کوچک متحد ملی تحولات اجتماعی دوران ف. م. جوانشیر

## فصل دوم - کالا و تولید کالایی

### 11- اهمیت تئوری مارکسیستی - لنینیستی تولید کالایی ساده

بررسی کالا و تولید کالایی در آموزش اقتصادی مارکسیسم - لنینیسم جای ویژه ای دارد. این بررسی اولاً از نظر تئوریک، پایه و بنیان بررسی اقتصاد سرمایه داری است. ثانیاً پایه اقتصادی امکان و ضرورت اتحاد پرولتاریا را با سایر زحمتکشان غیر پرولتری و قبل از همه اتحاد کارگران و دهقانان را در مراحل گوناگون انقلاب آشکار می سازد. ثالثاً در زمان ما که راه رشد غیرسرمایه داری و سمت گیری سوسیالیستی در کشورهای جهان سوم مطرح است به کشف محمل های علمی این گذار و طرق و شیوه های درست انجام آن یاری می رساند.

1- اقتصاد سرمایه داری که ما خواهان تجزیه و تحلیل آن هستیم، قبل از همه یک اقتصاد کالایی مبتنی بر مالکیت خصوصی وسایل تولید است که بر شالوده تولید کالایی ساده و بر اثر تجزیه آن پدید می آید. و اگر بخواهیم این اقتصاد را به درستی درک کنیم، باید تاریخ پیدایش و تکامل آن را بشناسیم و قوانین درونی آن را کشف کنیم. در کالا و تولید کالایی ما نطفه های سرمایه داری را بررسی می کنیم و آن مفاهیم و قوانین اقتصادی را می یابیم که اساس اقتصاد جامعه بورژوائی بر آن استوار است.

بررسی کالا و تولید کالایی را که مارکس و انگلس آغاز کردند، لنین بدقت دنبال نمود. او تئوری مارکسیستی را در این زمینه تکامل بخشید. در مبارزه با "نارودنیک ها"، "مارکسیست های علنی" لنین برپایه کارمایه مشخص روسیه قبل از انقلاب، عمق تضاد تولید کالایی مبتنی بر مالکیت خصوصی را آشکار ساخت و قانون مندی پیدایش و تکامل سرمایه داری را از درون تولید کالایی اثبات نمود.

نارودنیک های روس، قوانین تولید کالایی را درک نمی کردند و نمی خواستند بپذیرند که تولید کالایی ساده در مرحله معینی از تکامل خویش به تولید سرمایه داری ارتقاء می یابد. تولید کنندگان کالا در طول زمان تجزیه می شوند، برخی از آنان ثروتمند شده و برخی دیگر ورشکست می شوند و این تجزیه در صفوف تولید کنندگان کالا در مرحله معینی به تجزیه طبقاتی جامعه، به پیدایش دو طبقه نوین- پرولتاریا و بورژوازی می انجامید. نارودنیک ها مدعی بودند که در روسیه سرمایه داری رشد نخواهد کرد. لنین با تجزیه و تحلیل دقیق اقتصاد روسیه و تولید کالایی قبل از کاپیتالیستی آن اثبات کرد که در روسیه سرمایه داری رشد می کند و تکامل عینی الزاماً سبب ساز تکامل کمی و کیفی پرولتاریا و تشدید نبرد طبقاتی خواهد بود. تولید کالایی ساده نقطه عزیمت تولید کالایی سرمایه داری است.

"تولید کوچک همواره، همه روزه، هر ساعت، به طور خود به خودی و به مقیاس وسیع سرمایه داری و بورژوازی را پدید می آورد"<sup>(1)</sup>.

(1) لنین، منتخبات، چاپ فارسی 1953، جلد دوم، بخش دوم، ص 411

در کشور ما در دهه 1960-1970 انواع نظریات نارودنیکی و آنارشستی، زیر عناوین "اندیشه های صدر مائو"، "انقلاب در انقلاب" و غیره و غیره پیدا شد که ریشه تئوریک آنها درست برعکس درک تولید کالایی مبتنی بود. صاحبان این نظریات توجه نداشتند و برخی از آن ها خود را به نفهمی می زدند که جامعه ای که مبنای آن بر تولید کالایی استوار باشد، خواه ناخواه آستان سرمایه داری است. آنها نمی فهمیدند و یا نمی خواستند بفهمند که در زمان ما امپریالیسم با تمام وسائل شیوه تولید سرمایه داری را در کشورهای کم رشد گسترش می دهد تا از این راه برای استعمار نوین پایگاه اجتماعی بسازد. اما اگر در خود این کشورها تولید کالایی به درجه معینی از رشد نرسیده بود امپریالیسم در کار خویش موفق نمی شد. پایه گسترش سرمایه داری رشد تولید کالایی در خود این کشورهاست.

2- تجزیه و تحلیل تولید کالایی ساده و درک چگونگی پیدایش و تکامل سرمایه داری از بطن آن، اهمیت سیاسی ویژه ای برای پرولتاریا دارد. مارکس، انگلس و لنین با بررسی تولید کالایی ساده دریافته اند که تولیدکننده کوچک خصلت دوگانه دارد. او از یک سو انسان زحمتکشی است که با دسترنج خود زندگی می کند. و از سوی دیگر مالک وسایل تولید است. از یک سو به طور مداوم نگران خطر ورشکستگی است و احساس می کند که متناسب با رشد سرمایه داری به صفوف پرولتاریا رانده می شود، و از سوی دیگر همواره با امید زنده است که شاید بخت یاری کند، بساط او گسترش یابد و او تا مقام یک سرمایه دار بالا رود. به علت این خصلت دوگانه، تولیدکننده کوچک در عرصه سیاست نیز خصلت دوگانه دارد و میان پرولتاریا و بورژوازی در نوسان است.

تشخیص درست این خصلت دوگانه و نتایج حاصل از آن برای تعیین استراتژی و تاکتیک پرولتاریا در انقلاب: هم در انقلاب دموکراتیک و هم در انقلاب سوسیالیستی، دارای اهمیت ویژه ای است. ریشه بسیاری از نظریات ناسالم و نادرست رویونیستی را باید در عدم درک و عدم پذیرش این خصلت دوگانه جست. برخی از محافل چپ نما و "چپ" تنها به جانب ارتجاعی و سازشکارانه تولید کننده کوچک نظر دارند. در زمان حیات مارکس، رهبران حزب سوسیال دموکرات آلمان در برنامه خود، مصوبه کنگره "گوتا" نوشته بودند که نسبت به طبقه کارگر، همه طبقات دیگر "فقط یک توده ارتجاعی هستند" مارکس و انگلس این نظر را به طور قطع رد کردند و به سوسیال دمکراتهای آلمان تذکر دادند که به خصلت دوگانه تولید کننده کوچک و به ویژه توده دهقانان توجه کنند و بدانند که وظیفه آنها جلب این توده است و نه طرد آن.

این نظریات چپ روانه، بعدها به طور منطقی، مانند هر نظر چپ روانه پیگیری به نظریه راست بدل شد و رهبران انترناسیونال دوم نظیر کائوتسکی "انقلاب سوسیالیستی را به زمانی موکول کردند که طبقه کارگر اکثریت مطلق جامعه را تشکیل دهد" آنها محملی برای اتحاد پرولتاریا و دهقانان که اکثریت عظیم جامعه را تشکیل می دهند نمی دیدند و مدعی بودند که تا وقتی پرولتاریا اکثریت قاطع جامعه را تشکیل ندهد دیکتاتوری پرولتاریا، دیکتاتوری اقلیت است.

در جنبش انقلابی روسیه، اینگونه نظریات "چپ" و راست درجریانات سیاسی ناسالمی نظیر "تروتسکیسم"، "اس - ارها"، "منشویک" منعکس شد. تروتسکی "چپ" می رفت و شعار می داد که: "مرگ برترار - زنده باد انقلاب سوسیالیستی" یعنی سرنگونی تزاریسم را برابر آغاز انقلاب سوسیالیستی می دانست و جنبه دمکراتیک نبرد ضدتزاری را درک نمی کرد و به این ترتیب در واقع روی بخش اعظم مردم روسیه که از دهقانان و خرده بورژوازی تشکیل می شد خط می کشید. "سوسیال رولوسیونرها" (اس - ار) ها نماینده همان خرده بورژوازی بودند که از ترس رشد سرمایه داری و قدرت گرفتن پرولتاریا وجود مبارزه طبقاتی و جنبش توده ای را نفی می کردند و برای خود این وظیفه و رسالت تاریخی! را قائل بودند که از

طریق ترور فردی، توده های لخت را بیدار کنند. و منشویک ها - عملا نمایندگی سرمایه داری را به عهده داشتند که از درون تولید کالایی بالا می آمد.

ما هم اکنون در جنبش انقلابی ایران نمایندگان همه این نوع جریان ها را که زیر نام و عنوان جدید، همان حرف های کهنه را می زنند می بینیم.

لنین پرچم مارکسیسم انقلابی را در روسیه - و در دوران امپریالیسم در مقیاس جهانی برافراشت. او با تحلیل دقیق تولید کالایی در روسیه و رشد سرمایه داری بر زمینه آن، تاکتیک انقلابی کمونیست ها را، هم در انقلاب دمکراتیک و هم در انقلاب سوسیالیستی تعیین کرد و سپس با تحلیل ماهیت امپریالیسم تئوری کامل انقلاب سوسیالیستی را عرضه داشت و در اتحاد شوروی به ثمر رسانید.

پایه تئوریک اثر دوران ساز لنین "دوتاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" را تحلیل تولید کالایی و رشد سرمایه داری تشکیل می دهد. لنین بر این پایه تئوریک است که امکان اتحاد کارگران و دهقانان را در انقلاب دموکراتیک، ضرورت رهبری طبقه کارگر در این انقلاب و امکان فرا روییدن آن را به انقلاب سوسیالیستی اثبات می کند و می گوید:

"در راس تمام مردم به ویژه دهقانان، در راه آزادی کامل، در راه انقلاب پیگیر دموکراتیک، در راه جمهوری به پیش! در راس تمام زحمتکشان و استثمارشوندگان در راه سوسیالیسم به پیش"<sup>(1)</sup>.

**خصلت دوگانه** تولید کننده کوچک و نوسان او میان پرولتاریا و بورژوازی از یکسو امکان بزرگی برای کار انقلابی پرولتاریا ایجاد می کند و از سوی دیگر وظیفه سنگین نبرد سیاسی و ایدئولوژیک و روشنگرانه در این عرصه را بر دوش پرولتاریا می گذارد. این خصلت دوگانه زمینه ای است برای پیدایش انواع نظریات "چپ" روانه و ماوراء انقلابی که در عمل به ضد انقلاب می پیوندند. خصلت دوگانه این قشر هم برای تبلیغات انقلابی پرولتاریا و هم برای تبلیغات ضد انقلابی بورژوازی گاه فاشیستی، زمینه فراهم می آورد و سرنوشت انقلاب بسته به آن است که پرولتاریا یا بورژوازی، دموکراسی یا فاشیسم و استبداد عوام فریب کدامیک می توانند این توده وسیع و متزلزل را جلب کنند.

لنین همواره روی اهمیت کار روشنگرانه و انقلابی در میان این قشر تکیه می کند و می خواهد که کمونیست ها "خرده بورژوازی انقلابی و جمهوری خواه و به خصوص دهقانان را به سطح دموکراتیسم پیگیر پرولتاریا که خصوصیت کامل طبقاتی خود را حفظ می کند، ارتقاء دهند"<sup>(1)</sup>.

"هر چه ذهن دهقانان روشن تر باشد به همان نسبت آنان پیگیرتر و یا عزمی راسخ تر از انقلاب دموکراتیک طرفداری خواهند کرد"<sup>(2)</sup>.

اگر کمونیست ها "مردم را به طبقات تجزیه می کنند برای این نیست که طبقه پیشرو دور خود بتند و حدود خود را تنگ تر کند... بلکه برای این است که طبقه پیشرو بدون آسیب از تزلزل و ناپایداری و بی تصمیمی طبقات بینابینی بتوانند با انرژی بیشتر و شور بیشتری در راه آرمان تمام مردم و در راس تمام مردم مبارزه کنند"<sup>(3)</sup>.

3- تجزیه و تحلیل تولید کالایی و درک قوانین تکامل آن، برای شناخت جوامع در حال رشد زمان ما و تعیین مسیر تکامل آینده آنان نیز اهمیت فراوان دارد. بسیاری از این جامعه ها هنوز در مراحل قبل از سرمایه داری قرار دارند. اما مناسبات کالایی چه کالایی که در داخل

(1) لنینی، منتخبات، جلد اول، بخش دوم، ص 138

(1) لنین، همان کتاب، ص 63، تکیه از ماست

(2) لنین، همان کتاب، ص 120، تکیه از ماست

تولید می شود و چه کالای وارداتی بر اقتصاد آن ها حاکم است. این جامعه ها به شدت در معرض تجزیه طبقاتی قرار دارند. در آن دسته از کشورها که رژیم های وابسته به امپریالیسم دارند. نظیر جامعه ایران، سرمایه داری نه تنها با سیرعادی خود تکامل می یابد بلکه از بالا و به طور آگاهانه ساخته می شود. و در آن دسته از کشورها که رژیم های مترقی دارند، اقداماتی برای جلوگیری از تکامل سرمایه داری و گذار به سوسیالیسم از راه رشد غیرسرمایه داری انجام می گیرد. درك ساختار این جوامع و مسیر تکامل آنها و همچنین شناخت قانونمندی تکامل غیرسرمایه داری در اتخاذ سیاست های درستی که بهترین، سریع ترین و بی دردترین راه رشد را برای جامعه تامین کند بدون آشنایی کامل با قوانین تولید کالایی مقدور نیست و پرولتاریای آگاه در این کشورها نمی تواند سیاست درستی در پیش گیرد، اگر به طور کامل بر این قوانین مسلط نباشد.

در کشور ما چنانکه می دانیم، از يك سو سرمایه داری با سرعت توفانی رشد کرده و میلیونها تولید کننده كوچك را در زیر چرخهای سنگین خود له می کند و از سوی دیگر هم هیئت حاکمه و هم برخی گروه های انقلابی نما رشد سرمایه داری را انکار می کنند. هیئت حاکمه ایران مدعی است که نه سرمایه داری، بلکه جامعه موزون و هماهنگ با تمدن ایرانی بنا می کند و به سوی "تمدن بزرگ" روان است. گروههای انقلابی نما نیز گاه از روی نادانی و گاه دانسته و به قصد خرابکاری رشد سرمایه داری را در ایران نمی پذیرند و یا آن را به گونه ای نادرست تحلیل می کنند و بر مبنای آن انواع سیاست ها و ایدئولوژی های ضد انقلابی و ضد کمونیستی و انحرافی عرضه می دارند.

برنامه ای که حزب توده ایران برای تحول بنیادی جامعه ایران تدوین کرده و سیاستی که دنبال می کند بر پایه تحلیل علمی جامعه ایران و ساختار اقتصادی آن و سلطه تولید کالایی در آن متکی است ما این مطلب را به جای خود با وسعت بیشتری بررسی خواهیم کرد.

راه توده 180 09.06.2008